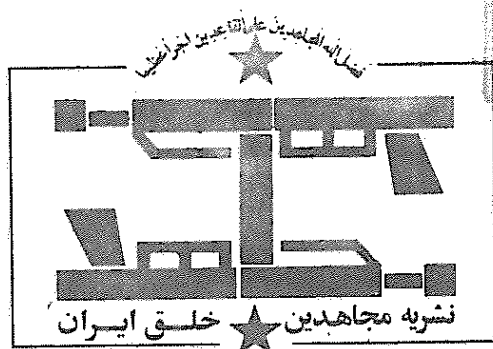


بیش از ۴۰ نفر از فرزندان قهرمان
ویگناه خلق
بدست مرتجعین خونخوار حاکم

در صفحه ۲



سال دوم - سه شنبه دوم تیرماه ۱۳۶۰ - تک شماره ۱۰ ریال

شماره ۱۲۷

در صفحات دیگر

- پاسداران بر سرد و راهی
- یکسال پس از قشای نوار آیت
- دو یادآوری و یک تشکر
- تنها جم و حشیا نهی چماق داران به
- مراسم بزرگداشت شهید شریعتی
- خیمه شب بازی امجدیه

راهپیمائی بیش از ۵۰۰ هزار نفر از مردم قهرمان تهران در اعتراض به کودتای ضد مردمی مرتجعین

بوسیله مزدوران مسلح ارتجاع حاکم به خاک و خون کشیده شد و یکبار دیگر جنایات ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور تکرار گردید

★ پاسداران ارتجاع با مسلسل مستقیماً راهپیمان را هدف قرار می دادند و مغز و قلب آنان را متلاشی می کردند.

★ در خیمان ارتجاع، اجساد دهها شهید را نیز می ریختند و به جای این که به پزشکی قانونی منتقل کنند مسقیماً بدبهدشت زهرا برد و مخفیانه تدبیر حاکم می سپردند.

بعد از ظهر جمعیتی بیش از ۳۰ هزار نفر در حالی که میلیتیای قهرمان مجاهدین خلق هستی اصلی آن را تشکیل می داد آغاز شد. جمعیت سامی عرض خیابان. مصدق حدفاصل انقلاب و طالقانی را پر کرده و در عرض چند دقیقه، مشکل و منظم و با شعار "مرگ بر استبداد" به سمت خیابان طالقانی حرکت کردند. جمعیت مسیر خود را در خیابان طالقانی به سمت شرق ادامه می داد و هر لحظه بر تعداد آن افزوده می شد.

عالی ترین فداکاریها دست خواهد زد. راهپیمائی بزرگ مردم تهران در اعتراض به حذف رئیس جمهور و اختناق و استبداد حاکم بر جامعه بین ساعت ۳/۵ تا ۴ بعد از ظهر از ۷ نقطه شهر تهران آغاز شد و در مدتی کمتر از یک ساعت به بیش از ۵۰۰ هزار نفر رسید و چهره شهر را به یکباره دگرگون کرد.

بعضی از مراکز نجم و راهپیمائی

بعضی از مراکز راهپیمائی عبارت بودند از:
بیل سیدخندان، منیریه
نقاط کارگرو بلوار کشاورز، نظام آباد، سمیه، نقاط مصدق- طالقانی و میدان ولی عصر
کانون اصلی و برج جمعیت راهپیمایان در چهارراه مصدق- انقلاب بود. رأس ساعت ۴

جمعیت در حوالی خیابان مبارزان به طول یک کیلومتر رسیده بود در حالی که حتی پیاده روها نیز ملو از جمعیت بود، راهپیمایان از نقاط بیمار، به سمت خیابان انقلاب حرکت کردند. صحنه خیابان بیمار بادآور روزهای اوج نظاهرات مردمی ضد شاه بود. بقیه در صفحه ۲

کشتار و تیراندازی گسترده ۳۰ خرداد
به سوی مردم تهران
داغ ننگی بر چهره ارتجاع حاکم
تکرار جنایات ۱۵ خرداد
و ۱۷ شهریور بمنظور ممانعت از
ابراز عقیده آزاد و مسالمت آمیز
توده های خلق
در راهپیمائی تاریخی
۳۰ خرداد ۶۰
بنام خدا
بنام خلق قهرمان ایران
هموطنان عزیز!
مردم قهرمان تهران!

بار دیگر در آخرین قدم های سلطه ای اختناق مطلق، همزمان با برکناری رئیس جمهور دکتر بنی صدر، دیو خون آشام استبداد افسار گسیخت و راهپیمائی آرام و مسالمت آمیز صدها هزارتن از مردم قهرمان تهران را به خاک و خون کشید و بدین ترتیب عصر روز گذشته ۳۰ خرداد ماه سال جاری بار دیگر فجایع ۱۵ خرداد سال ۴۲ و ۱۷ شهریور سال ۵۷ به طریقی دیگر تکرار شد و مزدوران رسمی و غیر رسمی ارتجاع رودر روی صفوف مردم (که از انتهای خیابان طالقانی و در سراسر خیابان بیمار و از نقاط بیمار- انقلاب تا میدان فردوسی با تراکم فوق العاده امتداد داشت) به زانو نشسته و رگبار گشودند. از تعداد انبوه مجروحین و شهیدان و آمار کل جمعیت هنوز اطلاع دقیقی نداریم و در نخستین فرصت آن ها را با تمام جزئیات و فیلم ها و عکس های مربوطه منتشر خواهیم ساخت...

برخلاف تبلیغات ارتجاعی، این راهپیمائی تاریخی که از ساعت ۴ بعد از ظهر از نقاط خیابان های مصدق- انقلاب به سمت خیابان طالقانی آغاز شده بود کاملاً مسالمت آمیز بود و بقیه در صفحه ۲

اسامی ۸ تن از شهدای راهپیمائی که تا کنون شناخته شده اند

- ★ مجاهد شهید زهرا محمدی
- ★ مجاهد شهید محمد رضا رمزی سهرابی
- ★ مجاهد شهید عباس سروش
- ★ مجاهد شهید عارف اقبال
- ★ مجاهد شهید موجهر طلائی
- ★ مجاهد شهید رضا جمشیدی
- ★ مجاهد شهید کوروش سیفی
- ★ مجاهد شهید عبدالله ابراهیمی



بقیه از صفحه اول

راهپیمائی بیش از ۵۰ هزار نفر از مردم قهرمان تهران ۰۰۰

میلیشای قهرمان نیز پیشاپیش با سرعت و قاطعیت راه را باز می‌کرد. در نقاط خیابان بهار انقلاب جمعیت به طرف میدان فردوسی حرکت کرده و در مسیر خود تعداد بیشتری از مردم را جذب می‌کرد، یکی از باشکوه‌ترین صحنه‌های راه - پیمائی روی پل دروازه دولت - تقاطع سعدی - انقلاب بود. در حالی که راهپیمایان تمامی پل را اشغال کرده بودند، تعدادی نیز در پیاده‌روها از زیر پل و خیابان‌های اطراف آن‌ها را تشویق می‌کردند و یکصد نفر از مردم می‌زدند: «رجائی، بهشتی خلق آمده، کجائی. قبل از ورود جمعیت به میدان فردوسی، گروهی از تظاهرکنندگان که در محور انقلاب از سمت غرب به طرف میدان فردوسی در حال حرکت بودند، وارد میدان شدند. جمعیت وارد میدان فردوسی شد، در حالی که انتهای آن هنوز در تقاطع بهارو طالقانی بود و تمامی عرض خیابان و پیاده‌روها را به شکلی متراکم پر کرده بود. هنوز ابتدای جمعیت نمی‌از میدان را پر نکرده بود که ناگهان رگبار مسلسل و زسه به روی جمعیت گشوده شد و بلافاصله اسفالت میدان فردوسی پذیرای اجساد بسیاری شد، مسلسل‌چی‌ها و زسه بدسان مزدور سپاه پاسداران بر زمین زانو زده و جمعیت را درو می‌کردند، از

گوشه و کنار میدان باران گلوله می‌بارید. جمعیت فریاد کتان و الله اکبر گویان به خیابان‌های اطراف پراکنده شد و فقط اجساد شهدا و زخمی‌ها عرصه میدان را پر کرده بودند، علاوه بر مسلسل‌چی‌ها، ماشین‌های سپاه نیز در حالی که هر کدام دوتاسه نفر تیرانداز را با خود حمل می‌کردند، از گوشه و کنار به جمعیت بی‌پناه حمله می‌کردند. پاسداران مزدور مردم را از سه طرف در محاصره گرفته بودند، میدان فردوسی، ایران‌شهر، و انتهای بهار. آن‌ها به مردم حتی اجازه فرار هم نمی‌دادند، و بی‌حیایا همه را از پیر و جوان، زن و مرد، کوچک و بزرگ به رگبار مسلسل می‌بستند. به دنبال این قتل عام وحشیانه، خیابان‌های اصلی از جفیت نخالی شد اما مردم بصورت دسته‌های چند هزار نفری در خیابان‌های فرعی به تظاهرات خویشتادادند. صحنه‌ها دقیقاً یادآور روزهای نظیر ۱۷ شهریور بود زخمی‌ها روی دست یا موتور به بیمارستان‌ها حمل می‌شدند. خانه‌های اطراف بناگاه‌ها تظاهر کننده‌ها و زخمی‌ها بود، مردم خشمناک و شهید داده، جنازه باران خویشت را بر دوش بلند کرده و بانام وجود فریاد می‌زدند، این سند جنایت ارتجاع است، بهشتی، بهشتی

وای به روزی که مسلح شویم، و بی‌حیایا و در زیر باران گلوله به سمت پاسداران و سیراندازان حمله می‌کردند. خشم زاید الوصفی مردم را فرا گرفته بود و هیچ چیز نمی‌توانست جلودار آنان باشد جنگ و گریز ادامه داشت و تمامی خیابان‌های اطراف محور انقلاب - طالقانی را دربر گرفت هر لحظه بر زخمی‌ها و کشته‌ها افزوده می‌شد، اخبار مربوط به کتسار وحشیانه‌ی مزدوران ارتجاع به سرعت تمام شهر را پر کرده و به دنبال آن تظاهرات پراکنده و موضعی در گوشه و کنار شهر به راه افتاده بود. تیراندازی‌های پراکنده و موج دستگیری تا ساعت‌ها بعد ادامه داشت و این در حالی بود که در اکثر نقاط شهر مردم با حضور فعال در کوچه و خیابان نفر و انزجار خویشت را از این عملکردها ابراز می‌داشتند. خشم و نفرتی که در زمان کوبانی به بار خواهد نشست و بنیاد مرجعین حاکم را بر خواهد افکند.

گزارش لحظه به لحظه

۸ ساعت ۳/۳۰ بعد از ظهر مصدق - پاستور: حدود ۱۰۰ نفر در حالی که شعار "مرگ بر بهشتی" می‌گویند به طرف جنوب در حال حرکتند.

اعدام ناجوانمردانه بیش از ۴۰ نفر از فرزندان قهرمان و بیگناه خلق بدست مرجعین خو بخوار حاکم

ارجاع خو بخوار حاکم در اعدامی کسارهای وحشیانه‌ی از مردم قهرمان ایران و به خصوص به دنبال کسار بی‌رحمانه در راهپیمائی ۵۰۰ هزار نفری اخیر تهران، دست به یکی از بزرگ‌ترین جنایات ضد بشری خود زد و با اعتراف به اعدام بیش از ۴۰ نفر از فرزندان مجاهد و مبارز خلق،

۳ ساعت ۲/۴۵ حدود ۴۰۰۰ نفر به طرف میدان ولی عصر می‌روند، ۱۰۰ نفر جماعت دار قصد مزاحمت داشتند که توسط جمعیت پراکنده شدند. ساعت ۳/۴۵ میدان فردوسی: ۱۲۰ نفر از جماعت داران در میدان هستند یک برچم سبز در دست گرفته رسمی در بسیج نیرو دارند. حدود ۵۰۰ نفر از مردم خشمگین در اطراف میدان ایستاده‌اند. یک ماشین جیب آهو سبز بر از افراد مسلح کعبه در میدان مستقر شده است. کمی بعد یک اکیب دیگر به وی ملحق می‌شود.

۳ ساعت ۴ میدان ولی عصر جمعیتی که به طرف میدان در حرکت بود، در حوالی میدان ولی عصر به ۱۰۰۰۰ نفر می‌رسد. مردم از میدان ولی عصر به طالقانی در حال حرکت‌اند و از آنجا به طرف شرق حرکت خواهند کرد. حدود ۶۰۰ نفر جماعت دار

به جمعیت حمله کردند ولی با عکس العمل شدید مردم به زودی سواری شدند. ساعت ۴/۱۰: ۵۰ موبورسوار جماعت دار به طقاطع انقلاب - مصدق در حال حرکت‌اند.

۴ ساعت ۴/۱۵: بین عددی از میلیشای قهرمان و جماعت داران مزدور درگیری است، ۲ ماشین جیب و یک جیب آهو از جماعت داران حمایت می‌کند. میلیشیا، جماعت داران را سواری کرده و تعدادی از موبورسیکلت‌های مزدوران توسط مردم به آتش کشیده می‌شود.

ساعت ۴/۲۰ جلو دانسگاه: ۲ موبور مسلط به مزدوران جماعت دار به آتش کشیده می‌شود.

ساعت ۴/۳۰ چهاراد مصدق: یک دسه ۳۰ نفری از بقیده رصفدی

کشتار و تیراندازی گسترده ۳۰ خرداد به سوی مردم تهران داغ ننگی بر چهره ارتجاع حاکم

هیچ‌گونه قصد درگیری حتی تمامی ضرب و شتم‌ها و باران‌های گلوله و گاز اشک‌آور را تحمل نموده و قصد آن داشت تا با حضور در برابر مجلس اراده و رای اکثریت ملت ایران را اعلام دارد. لکن از آنجا که مدت‌هاست هرگونه راهپیمائی و تظاهر و حضور در برابر مجلس در انحصار مرجعین است، و ارتجاع حاکم خود نیز از اجتماع و راهپیمائی نزدیک به پانصد هزارتن از مردم تهران مبهوت شده و کاخ تبلیغات بی‌پایه‌اش را در معرض فرو ریختن می‌دید سرانجام در میدان فردوسی راهی جز تکرار همان مضمون ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور را نیافت. وقیحانه‌تر این که اطلاعیه سیاسی - نظامی هفتدی پیش مجاهدین خلق را که مربوط به یورش وحشیانه به خانه‌ی برادر مجاهد مهدی ابریشمی و تصمیم مجاهدین به مقاومت در برابر این قبیل یورش‌های ضد انقلابی و ضد اسلامی و ضد قانونی است را به دروغ دستاویز قرار داده و از این هم بیشتر صبح امروز مدعی می‌شوند که گوئی شهدایمان از نیز خودمان کشته‌ایم!! البته این مطلب که شکنجه‌شدگان را با خود شکنجه نموده و شهدایمان را نیز خود کشته‌ایم!! مطلب جدیدی نیست و لابد صدها هزارتن را هم که دیروز به اعتراض علیه عملکردهای ضد خلقی ارتجاع

برخواستند ما از آن طرف مرز" با خود آوردیم!! لکن تردیدی نیست که اگر عاملان و آمران کشتارهای ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور توانسته باشند تبلیغات ضد انقلابی دروغین خود را به خلق قهرمان ایران بقبولانند عاملان و آمران کشتار ۳۰ خرداد جاری نیز خواهند توانست!

اما ما می‌گوئیم که اگر تبلیغات شما ضحیح و واقعی است و اگر ریگی به گفشی خود ندارید هم چنان که هر روز با بزرگ‌نمایی‌های نجومی تصاویر جماعت داران را به "سیمای خود می‌آوردید یک بار نیز مشروح راهپیمائی تاریخی ۳۰ خرداد را که فیلم‌های آن در نزد کلیه خبرنگاران و فیلمبرداران وجود دارد در تلویزیون نمایش بدهید...

از طرف دیگر وقاحت ارتجاع صبح امروز به حدی رسید که اعلام کردند که به تشییع جنازه‌ی شهدائی که خود کشته‌اند خواهند پرداخت. و این هم یکی از بارزترین تفاوت‌های این کشتار با کشتارهای ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور است. تفاوتی که تنها در دیکتاتوری فریب و استبداد زیر پرده‌ی دین به منصفی ظهور می‌رسد. اینجاست که ما هشدار می‌دهیم، اگر چه امروز شما می‌توانید ما را از تشییع جنازه‌ی شهدایمان نیز محروم کنید،

اگر چه امروز دستگاه‌های تبلیغاتی شما به رسم طاغوت می‌تواند هر دروغ و فحشحتی را به هم بیافد، اگر چه امروز بارهم با این تبلیغات در تدارک کشتارها، شکنجه‌ها و دیکتاتوری به مراتب وحشیانه‌ترید، اما فردا با جنبش خلق و عقوبت خالق چه خواهید کرد؟ و سيعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون

اگر خونبهای آزادی و تداوم انقلاب رهانی - بخش ضد امپریالیستی و اسلامی ما، با زهم شهدای بیشتر، شکنجه‌گاهها و زندان‌های لبریزتر است، مجاهدین خلق ایران بد مثابدی بیشتر از راستین انقلابی و مکتبی که طی شانزده سال گذشته بارها آزمایش داده‌اند، با طیب خاطر به منظور جلب رضای خلق و خالق از این سرنوشت شکوهمند استقبال می‌کنند.

یا ایتهالنفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی مجاهدین خلق ایران ۳۱ خرداد/ ۶۰

اسامی و شرح حال شهدا و دستگیرشدگان متعاقباً اعلام خواهد شد.

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه ۲

راهپیمایی بیش از ۵۰۰ هزار نفر از مردم قهرمان تهران...

مزدوران ارتجاع با چوب، دشنه و کابل به طرف چهار راه مصدق در حال حرکت اند. یک دسته ۱۰۰ تایی دختر و پسر از مزدوران اجبر شده توسط بسیج نیز پشت سر آنان در حال حرکت اند.

■ ساعت ۴/۳۰ تقاطع مصدق - طالقانی؛

بین مردم و ملیشیا از یک طرف و جماعت داران و پاسداران مزدور از طرف دیگر درگیری شدیدی شروع شده است. تیراندازی شدید توسط پاسداران مزدور صورت می گیرد. ملیشیا قهرمان به دو دسته ۵۰۰ نفری تقسیم شده و از آن ها تارو مار کردند. جمعیت بیش از ۴۰۰۰۰ نفر، شور و شوق مردم از کنترل خارج است.

■ ساعت ۴/۳۸ مقابل مجلس - چند واحد کمیته به جماعت داران مقابل مجلس مراجعه کرده و آن ها را به سمت طالقانی - مصدق هدایت کرده اند و مزدورانی را نیز به سمت میدان فردوسی و جلو سفارت فرستادند.

■ ساعت ۴/۴۰ جمعیت تظاهر کننده به حدود ۷۰ هزار نفر رسیده است از قره نی تا بهار طول جمعیت بیش از یک کیلومتر و عرض آن ۳۵ متر است.

■ ساعت ۴/۴۵ از مصدق تا طالقانی تعداد زیادی لاستیک آتش زده اند. ساعت ۴/۴۵: روی از راهپیمایان از ویلا به انقلاب رفته اند. سر آن روی پل کالج و انتهای آن در طالقانی است. مردم با پاسداران درگیر شده اند و تعدادی از آن ها را خلع سلاح کرده اند.

■ ساعت ۴/۴۸: راه - پیمایان در حال دویدن هستند. اتوبوس ها نگه می دارند و مردم پیاده شده به راه پیمایان می پیوندند.

■ ساعت ۴/۵۵: جمعیت خشمناک است. تا بحال ۳ بار مزدوران کمیته به مردم حمله کرده اند. مردم نیز ماشین های آنان را به آتش کشیده اند. یک نفر کمیته ای نیز خلع سلاح شده است. دو موتور مزدوران کمیته نیز به آتش کشیده شده است.

■ ساعت ۵: حدود ۲۰۰ نفر نظامی به طرف میدان امام حسین در حرکتند و علیه حزب شعار می دهند.

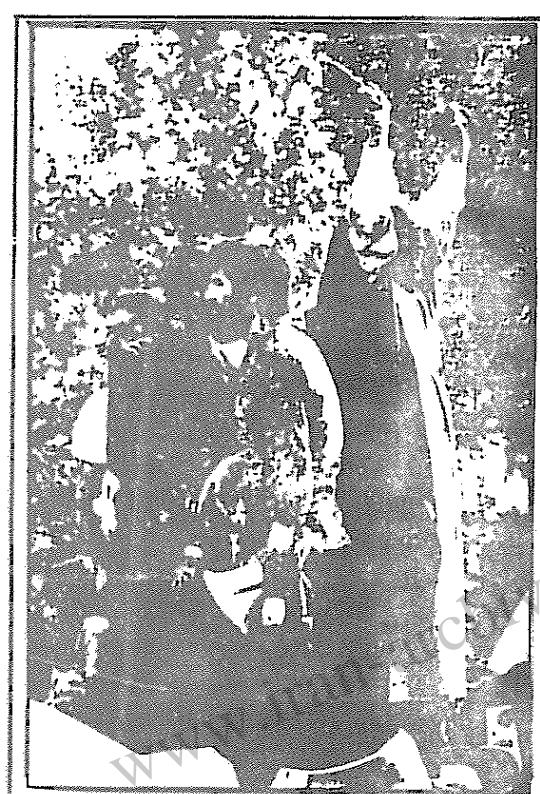
■ ساعت ۵/۰۵: حدود ۱۰۰۰ نفر از حوالی میدان انقلاب حرکت کرده و به جمعیت اصلی ملحق شده اند. ساعت ۵/۱۰ دقیقه کشتار وحشیانه میدان فردوسی در میدان فردوسی

شدیداً به سوی مردم تیراندازی شده است. عده ی زیادی به خاک و خون غلطیده اند. گاز اشک آور زیادی پرتاب شده. آمار شهدا تا حدود ۵۰ نفر تخمین زده می شود. تعداد زیادی نیز در اثر اصابت گلوله به پاهایشان مجروح شده اند. - چند واحد از منطقه ۹ ۱۳ برای کمک به ستاد منطقه ۹ واقع در خیابان فردوسی اعزام شده اند.

- عده ای از جمعیت از قره نی به سمت بالا کرده اند. مهمات و گاز اشک آور مزدوران در میدان فردوسی تمام شده و تقاضای کمک دارند. - مردم درهای خانه ها - پشان را به روی تظاهرکنندگان باز کرده اند. ملیشیا یک

آمدن افراد را دستگیر کنند. ■ ساعت ۵/۲۰ بزرگمهر - صبا: حدود ۱۵۰۰ نفر جمع شده در حال شعار دادن هستند.

■ ساعت ۵/۲۴ میدان فردوسی: جمعیت دو قسمت شده، فردوسی نا حافظ و فردوسی نا دروازه دولت جمعیت به ۲۰۰ هزار نفر



"هادی شاری" از عوامل جنایتکار حکومت کودتا در حالی که در یک دست گلت و در دست دیگر تانک داشت، در راه حرکت می کند. مسلحان روز ۲۸ خرداد شخصاً به دستگیری و کشتار مردم می پردازند.

تقسیم شده و به نظارات ادامه می دهند. ■ ساعت ۵/۱۵ چهارراه مصدق: دروازه ر مزدوران جماعت دار کشیده شده است.

■ ساعت ۵/۱۵ دروازه دولت: جمعیت شکل شده است. مردم خیال می کنند. هنوز از کمیته خبری نیست. ■ ساعت ۵/۲۰ چهارراه مصدق: چهار گوشه نفر مزدور دم تیر - ۱۰ نفر

■ ساعت ۵/۲۰: عصر جمعیتی نفری کسیرا به صورت فتن و برگشت طی می کنند. ■ ساعت ۵/۲۰: مزدوران مسلح خانه ای را که به ملیشیا باز کرده اند. در صورت بیرون

به سمت کریمخان نظارات است.

■ ساعت ۵/۴۵ میدان ولی عصر: حدود ۱۰۰۰ ملیشیا به سمت قاطمی در حال حرکت است. حدود ۲۰۰ نفر از جماعت داران نیز پس از آن ها حرکت می کنند. پشت سر جماعت داران یک وانت قبه ای رنگ که ۱۵ نفر مسلح را حمل می کند و هم چنین ۸ نفر موبوسوار مسلح در حال تیراندازی هوایی هستند.

■ ساعت ۵/۴۵ چهارراه مصدق: بین حدود ۶۰۰ هزار نفر از مردم و مزدوران ساه درگیری پیش می آید. پاسداران سیراندازی کرده و حداقل ۳ نفر شهید می شوند. ■ ساعت ۶/۱۰ خیابان بهار: تعدادی ملیشیا در حالی که شعار "مرگ بر بهشتی" می دهند به سمت مبارزان در حال حرکت.

■ ساعت ۶/۲۰ تقاطع طالقانی - حافظ: کمیته ای ها به خاطر پناهنده شدن یک خواهر به یک داروخانه به آن حمله کرده و شیشه های داخلی داروخانه را شکسته اند.

■ ساعت ۶/۲۰ تقاطع قاطمی - مصدق هادی غفاری در یک فیات آبی که ۳ نفر مسلح هم در آن بوده اند دیده شده وی با یک دست فرمان انومبیل را گرفته و با دست دیگر با اسلحه به مردم سیراندازی می کرد. تعداد زیادی هم موبوسوار همراه او بوده اند.

■ ساعت ۶/۲۵: از زخمی ها و دستگیر شده ها را به ستاد منطقه ۶ برده اند. از داخل ساد صدای سیراندازی شنیده شده است. بقیه از صفحه ۲

بقیه از صفحه ۲

دو یادآوری و ...

محرمی که وسایل حذف او را فراهم نمودند شکر بایند. بدیهی است در این شکر حضرت آقای هادی غفاری و تاجار وکلان سرمایه داران محرمی که در پناه سرع! و قانون! بکساله یکصد و بیست میلیارد تومان رابالا کشیده و آن همه برای حذف کاندیدای مجاهدین زحمت کشیدند، سهم عده ای به خود اختصاص داده و حق مقدم دارند؛ در خامه آرزو مندیم که از این پس هیچ کس که سر سوزنی هم قصد مخالفت و استقلال نظر و ادعای اختیار و مسؤلیت دارد، به فکر ریاست جمهوری، نخست وزیری و یا سایر مسؤلیت های لشکری و کمسوری نیاید.

والسلام علی من اتبع الهدی

شهید دزدی مرتجعین باعث رسوائی آنها شد

مرتجعین جنایتکار حاکم پس از این که ده ها نفر از فرزندان قهرمان و مجاهد خلق را در راهپیمایی عظیم مردم تهران در روز شنبه ناجوانمردانه به شهادت رساندند، نه تنها جنازه ی بسیاری از این شهدا را نبودند و مشخصاً به خاک سپردند بلکه مرتجعانه در صدد برآمدند که با باقی ماندن جنازه های شهدا، به اصطلاح مراسم تشییع ترتیب داده و بدین وسیله شهید دزدی نموده و آن ها را به خود نسبت دهند. اما فالانژها و به اصطلاح حزب اللهی ها که از واقفیت امر به خوبی مطلع

بوده از روی تعصب هم که شده حاضر نشدند فرمان شهید دزدی رهبران و الهام دهندگان را اجرا کنند. بدین جهت بود که مرتجعین حاکم مجبور شدند مراسم تشییع جنازه را که قبلاً اعلام کرده بودند لغو نمایند. و بدین ترتیب یکبار دیگر کوس رسوائی ارتجاع پوشیده به صدا درآمد. با وجود این با زحم تلاش کردند که به شهید دزدی خود ادامه داده و هر طور که شده مراسم تشییع را برگزار کنند گو این که خلسق قهرمان ایران مدت هاست که نسبت به این شیوه های ضد انقلابی و سراسر کذب مرتجعین آگاه شده است.

خیمه شب بازی امجدیه با بازیگری فلسفی خائن و مزدور، اوج رسوائی ارتجاع حاکم

حماسا هم بدکرات دریک هفتادای که کودنای ارتجاعی - امپریالیستی در آستانهای انجام بودبارها و بارها خیر نظاهرات حید میلیونی چماق داران را از صدا و سیما حزب چماق داران شنیده‌اید و شاهد بوده‌اید که چگونه دست‌های ۱۰۰ نفری چماق دار را ده‌ها هزار نفر و اجتماعات

حداکثر چند هزار نفری را چند میلیونی برآورد می‌کنند! واقعیت اینست که نیامی موجودیت هیئت حاکمهای ارتجاعی کنونی بر تبلیغات و رعب پوشالی ناشی از آن استوار است و لاغیر. و درست به همین دلیل است که مجبور است به خاطر تبلیغات "شب و روز" دروغ بگوید. چرا که

مجاهدین خلق ایران

تخریب و ایجاد اختلال در ارتباطات تلفنهای عمومی، توسط ایادی رسمی و غیررسمی ارتجاع

به منظور جلوگیری از ارتباطات مردم را محکوم می‌نمایند

بنام خدا

بنام خلق قهرمان ایران

ارتجاع ورشکسته و درمانده‌ی حاکم بر ایران که اینک در آستانهای کودنای ارتجاعی ر ضد مردمی و در اوج اعمال سرکوب و اختناق مواجه با اعتراضات وسیع عمومی گردیده است، مرتباً به آنچه‌ان روش‌های بی سابقه‌ای دست می‌زند که پیش از پیش نشانهای احتضار سیاسی و انزوا ی کامل و وحشت شدید از توده‌های مردم است، روش‌هایی که حتی رژیم شاه خائن و ساواک نیز از دست زدن به آن آبا می‌کردند.

همزمان با تشبث دستگاه‌های تبلیغاتی مرتجعین به پراکندن دروغ‌های در هزار درصدی و پنج هزار درصدی به منظور جلوه دادن تاخت و تاز چماق داران به عنوان راه پیمائی‌های توده‌های میلیونی!!!، این روزها شاهدیم که اوپاش چماق دار به هم چنین ایادی مرتجعین در شرکت مخابرات دست به تخریب تلفن‌های عمومی و ایجاد اختلال عمدی در شبکه‌های ارتباطی آن‌ها زده‌اند و با این تلاش‌های مذبوحانه می‌خواهند از ابزار واکنش‌های اعتراض عمومی و ایجاد ارتباط و تماس بین مردم مانعت بعمل آورده و هم چنین با کنترل شبکه‌های تلفنی و استراق سمع غیرقانونی مکالمات به شناسائی و ایذاء و دستگیری مبارزین دست بزنند. این شیوه که برخلاف نص صریح شرع و قانون و اخلاق عمومی است در هفته‌ی اخیر وسیعاً در بسیاری خیابان‌های تهران و بسیاری از شهرستان‌ها به ویژه صفحات شمالی کشور به کار گرفته شده است. مجاهدین خلق ایران ضمن محکوم کردن این شیوه‌های زشت ضد خلقی از عموم هموطنان عزیز به ویژه کارکنان شریف مخابرات کشور می‌خواهند که اجازه ندهند تا چماق داران و عمال ارتجاع شبکه‌های تلفنی کشور را وسیله پیشبرد مقاصد توطئه‌گرانه‌ی ارتجاعی قرار دهند.

بدیهی است که این دست‌وپازدن‌های مذبوحانه‌ی ارتجاعی هرگز نخواهد توانست راه ارتباط و مقاومت توده‌های مردم را سد نماید و جز مایه‌ی رسوائی هر چه بیشتر انحصارطلبان و برانگیختن خشم و انزجار وسیع تر توده‌ها بر علیه آنان نتایج‌ای نخواهد داشت.

ولا یحیی المکر السیئ الا باهله

مجاهدین خلق ایران

۳۰ خرداد / ۶۰

اطلاعیه سیاسی - نظامی شماره ۲۵

توضیح:

این همان اعلامیه‌ای است که در تاریخ ۲۸ / خرداد / ۶۰ صادر شد و سیاه پاسداران و دستگاه‌های تبلیغاتی ارتجاع حاکم، آن را به عنوان اعلام جنگ مسلحانه با مردم ... معرفی کردند اما دیدیم که وفی رادیو ملویزیون از زبان سخنگوی سیاه دوسه جمله از این اعلامیه را به صورت ناصح خواند علاوه بر این که شیوه‌ی سانسور آن‌ها بسیار مضحک و مسخره از آب درآمد، در عین حال همان چند کلمه هم به حد کافی رسوا کننده‌ی تبلیغات یوشالی و ارتجاعی حضراتند. و اکنون من اطلاعاتی سیاسی - نظامی شماره ۲۵ مجاهدین خلق ایران:

بدنبال یورش و حشیاانه ارتجاع به خانه پدری برادر مجاهد مهدی ابریشم چی

از این پس

مجاهدین خلق ایران با کمال قوا در قبال اینگونه تهاجمات مقاومت خواهند نمود

بسم اللہ الو احد القہار

مردم قهرمان ایران

مردم مبارز تهران

مزدوران ارتجاع سه شنبه شب ۲۶ / خرداد ماه جاری با حمایت دسته‌های متعدد اوپاش مسلح و چماق دار به خانه‌ی پدری برادر مجاهد مهدی ابریشم چی یورش برده و پس از ضرب و شتم ساکنان آن بخشی از اموال و کتب موجود در خانه را به غارت بردند.

هم چنین در همین ایام شاهد دستگیری‌های غیرقانونی اعضای دفتر ریاست جمهوری هستیم که بعضاً حتی خبر و اسامی افراد دستگیر شده‌ی اعلام نمی‌شود. کما این که نقشه‌های وسیعی برای دستگیری کلیه‌ی شخصیت‌های ترقی خواه و ضد انحصارطلب کشور نیز در دست آمادگی است. سازمان مجاهدین خلق ایران ضمن اعتراض به این قبیل اقدامات ضد انقلابی و خلاف شرع و قانون بدین وسیله از خلق قهرمان ایران کسب اجازه می‌کند تا از این پس به یاری خدا در قبال حفظ جان اعضا خود به ویژه اعضا مرکزی سازمان که در حقیقت بخشی از مرکزیت تمامی خلق و انقلاب محسوب می‌شوند قاطع‌ترین مقاومت انقلابی را از هر طریق معمول دارد.

بدیهی است برابر اعلامیه‌ی حاضر از این پس مسئولیت هر آنچه که حین مقاومت انقلابی واقع شود، تنها و تنها بر ذمهی مرتجعین انحصارطلب و اوپاش چماق دار آن‌هاست که قصد آن کرده‌اند تا نقشه‌ی به پایان نرسیده‌ی شاه خائن و ساواک منفور او را در قلع و قمع مجاهدین به پایان رسانند.

از این حیث ما برآنیم که نامبردگان هر که باشند و در هر لباسی دقیقاً شایسته‌ی سخت‌ترین کیفر و مجازات انقلابی خواهند بود.

ضمناً سازمان مجاهدین خلق ایران این حق را برای خود محفوظ می‌دارد تا در هر موردی هم که کیفر فی المجلس جنایتکاران در حین انجام جرم ضد انقلابی سر نباشد، بدزودی و به طور مضاعف آمران و عاملان مربوطه را به جزای خود برساند.

والله النصر الا من عند الله

مجاهدین خلق ایران

۲۸ خرداد / ۶۰

حکومت شیوخ شعبده‌باز جز با تبلیغات و دروغ نامحدود حتی برای یک روز هم قابل دوام نیست.

به‌گمان ما تنها یک دلیل برای اثبات این مدعا کافیست و آن این که حضرات سالی را که اکنون سومین ماه آن را با انبوهی از قتل و جنایت و سرانجام کودنای ارتجاعی - امپریالیستی می‌گذرانیم،

"سال قانون"!!! نامیده بودند. آیا همین یک مثال کافی نیست با "دروغ‌گوی سال" را بشناسیم؟ خوبست به نمونه‌های زیر توجه کنید:

۱۵ / خرداد - نظاهرات حداکثر چند صد هزار نفری در سراسر ایران توسط ارتجاع حاکم ۱۵ میلیونی اعلام می‌شود ۲۵ / خرداد - اجتماع ۳۰ - ۲۰ هزار نفری میسدان فردوسی چند میلیونی!! برآورد می‌شود.

۲۶ / خرداد - جمعیت حداکثر ۱۵۰۰ نفری مقابل مجلس چند صد هزار نفری و جمعیت ۳۰۰ - ۲۵۰ نفری مقابل دادگستری را در همین روز از روی خجالت "انبوه اجتماع کنندگان" می‌نامند! ۲۹ / خرداد - خوبست به آخرین پرده‌ی نمایش افلاس مرتجعین در هفته‌ی گذشته نیز اشاره‌ای بکنیم.

جمعیت شرکت کننده در مراسم امجدیه که ارتجاع با تمام قوا برای آن به تبلیغات وسیع نیرو دست زده بود، هنگام قرائت پیام آقای خینی که مراسم به اصطلاح در اوج خود نیز بود بسیار محدود و اندک بودند. که تازه بخشی نیز هنگام سخنرانی فلسفی مزدور از محوطه بیرون رفته‌اند. لازم به یادآوری است که در آستانهای برگزاری این خیمه شب بازی (درامدیه)، مجاهدین خلق ایران، سابق ننگین فلسفی مزدور را با عکس کردند. این افتخاری به موقع تاثیر به‌سزائی در تقلیل جمعیت شرکت کننده و استقبال مفتضحانه از مراسم فوق داشت و در یک کلام آنقدر جمعیت کم بود که دیگر حضرات جداً خجالت کشیدند بگویند: "تجمع ۲ میلیون نفری!! مردم در تهران و ..."

البته لازم به یادآوری نیست که حضور فعلی فلسفی که قبل از این نیز شاه‌خائن از این جاسوس انگلیس برای کودنای ۲۸ مرداد بهره گرفته بود، بی‌حکمت نیست! به‌سره حال نکته‌ی جالب توجه در مراسم اخیر این که گردانندگان صدا و سیما‌ی ارتجاع برخلاف گذشته که از بالا و پائین و از چپ و راست جمعیت را با

بقیه در صفحه ۷

بازهم سخنی

با پاسداران

پاسداران بنسرد دوراهی: "شرف و افتخار" یا "نگ و ذلت"؟

پنج ماه پیش در اواخر دی ماه ۵۹ خطاب به آن دسته از شما پاسداران کمیته‌ها و سپاه که به نظر ما هنوز تمام و کمال به صورت عوامل چشم‌وگوش بسته‌ی ارتجاع در نیامده بودید در مقاله‌ی تحت‌عنوان "صحبتی خودمانی با پاسداران" نوشتم که:

"آیا نا به حال فکر کرده‌ای که چرا به تدریج فاصلات با بده‌های مردم زیادتر می‌شود؟ تا فکر کرده‌ای چرا با تمام زحمانی که می‌کنی در بسیاری موارد صحنه‌هایی پیش می‌آید که رو در روی مردم می‌ایستی؟... آیا فکر کرده‌ای چرا یک روز تو را برای برهم زدن فلان شخص می‌فرستند، روز دیگر عده‌ای را که از فرط بیکاری و فقر در مقابل فلان اداره جمع شده‌اند به وسیله تو سرکوب و متفرق می‌کنند؟ و در فرصتی دیگر تو را به عنوان حامی چپ‌اندازان حزبی در خدمت سرکوبی مخالفین سیاسی به کار می‌گیرند..."

به دنبال این سوالات در همان مقاله در توضیح مسأله نوشتم که:

"حزب ارتجاعی حاکم می‌خواهد از تو به عنوان عامل فشار در مقابل ناراضی‌های دوی مردم استفاده کند. ناراضی‌هایی که محصول سیاست‌های غلط و مرتجعانه‌ی خود آن‌هاست..." و بعد هم از آنجا که "جای تردید نیست با چنین سیاست‌هایی هرگز از عهده‌ی حل مشکلات اجتماعی بر نخواهند آمد، ناراضی‌ها اوج خواهد گرفت و آن وقت است که ناگهان متوجه خواهی شد تمام جوان و انرژی تو از سبج تا شام صرف رویارویی با مردم و حتی سرکوب آن‌ها می‌شود."

از آن زمان تاکنون مرتجعین حاکم بیش از پیش با نادیده گرفتن سناخ مردم و سپهر و صرفاً در جهت مطامع عمیقاً ارتجاعی و وابستگی‌یانه و ضد مردمی خود سن به حیانت‌های متعدد به مردم و سازش‌های زیادی با جهان - حواران امپریالیست دادند. گروگان‌ها که زمانی با دساور فرار دادن آنان، سروهای انقلابی و سیز رقیبان حکومتی را از میدان به در می‌کردند با خفت‌بارترین

شرایط توسط هیئت‌حاکمه‌ی ایران آزاد می‌شوند. در پس آن همه دعاوی به اصطلاح ضد امپریالیستی قراردادهای چند میلیارد دلاری با امپریالیست‌ها بسته می‌شود و بعد از آن همه شعارهای توخالی سر و کله‌ی تجار اسرائیلی و امریکائی پیدا می‌شود و تازه دریگری از این معاملات شرعی!! یک کسلاه گشاد ۶۰ میلیون دلاری بر سر این حضرات به اصطلاح مکتبی گذاشته می‌شود.

در زمینه‌ی اقتصادی نیز معلوم می‌شود که مملکت در حال ورشکستگی است و تجار محترم!! لا بد متشروع!! و سلمان!! که صد البته وابسته به حزب حاکمند در حالی که توده‌های میلیونی مردم با فقر و بیکاری دست به گریبانند. فقط در یک سال گذشته ۱۲۰ میلیارد تومان سود بردانند. بدین ترتیب در این مدت عملکردهای مرتجعین باز هم بر ناراضی‌های مردم از جویان انحمارطلب شدت بخشید و البته به همان میزان دوری مردم از این جریان، کوشش‌های دست‌اندرکاران آن نیز برای قبضه تمام و کمال قدرت تشدید شد. چرا که رابطه‌ی مستقیمی میان بی‌پایگی و انزوای اجتماعی و دیگتاتوری وجود دارد. به بیان دیگر این قدرت‌ها و حکومت‌هایی که توده‌های مردم را به عنوان حامی و پشتیبان خود ندارند هستند که عموماً برای حفظ سلطه‌ی خود به شیوه‌ها و روش‌های استبدادی و دیگتاتورانه پناه می‌شوند که عموماً با فریب شروع شده و در یک تحول کیفی به سرکوب خشن و خونین خلق منجم می‌شود.

در چنین شرایطی است که ما تصمیم گرفتیم بازهم شما پاسداران را مخاطب قرار داده. و سرنوشتی را که هیئت حاکمه کنونی می‌خواهد به کمک امثال شما بر این مردم تحمیل کند خاطر نشان سازیم. چرا که معتقدیم هنوز هم در میان شما افرادی که انگیزه‌های خدائی و مردمی خود را از دست نداده و به صورت مزدوران چشم و گوش بسدی فرماندهان در نیامده‌باشند یافت می‌شوند. و هنوز هم کسانی هستند که علی‌رغم تبلیغات مسموم علیه نیروهای انقلابی و به ویژه مجاهدین، دشمنی با ساواکی‌ها

و سرمایه‌داران وابسته و ضد انقلابیون واقعی را فراموش نکرده‌اند از شما می‌پرسم:

- آیا هیچ فکر کرده‌اید که اگر حکومتی واقعاً انقلابی و اسلامی باشد هرگز هیچ ترس و واهمه‌ای از سایر نیروها و تفکرات نخواهد داشت و هرگز تمام افراد مسلح خود را برای "مانعت از فروشی نشریه‌ی آنان" دستگیری فروشده و یا کشف مراکز چاپ و تکثیر جزوات و اعلامیه‌ها صرف نخواهد کرد.

- آیا رفتاری که با خواهران و برادران زندانی در زندان‌ها و به ویژه در اوین می‌شود رفتاری اسلامی است؟ و آیا شرم‌آور نیست در رژیمی که ادعای اسلامیت دارد با خواهران و مادران مسلمان چنان رفتاری می‌شود که مزدوران شاه سز چرست انجام آن را نداشته‌اند؟

- آیا شما خود شاهد نیستید که زندانی‌ها بجای ضد انقلاب به مبارزاتی کلمه، مجدداً از مجاهدین و مبارزین انباشته شده‌است؟ و آیا این مشابهت محتوایی با عملکردهای رژیم شاه برای شما دردآور نیست؟ یا به خصوص که در همان حال ساواکی‌ها و وابستگان به طاغوت دهنه دهنه آزاد می‌شوند و یا چون احمد رضا کریمی و یا چنانگیری به خدمت هم گرفته می‌شوند!

- آیا نمی‌بینید که به جای قرار گرفتن در پهنای خدمت می‌کردید بنویسید در خدمت اهداف یک حزب خاص تبدیل شده‌اید؟

- آیا خود شاهد غارت و چپاول صدها میلیارد اموالی که متعلق به مستضعفین است توسط حکام ضد شرع و باندهای وابسته به آن‌ها نیستید؟ - آیا شک نمی‌کنید که سرکوب نیروهای انقلابی به نظر شما اسلامی است؟ و آیا بایستی برای جلوگیری از راه‌پیمائی و یا به خاطر فروش تشریبات انقلابی افراد را به شلاق بست؟ و اصولاً آیا "حکومت پللاق" همان چیزی بود که انقلابیون و مردم قهرمان ما به خاطر آن مبارزه کردند و جان باختند و آیا شما به خاطر چنین حکومتی وارد سپاه و کمیته شده‌اید؟

- آیا خود شاهد سیل و دروغ‌های تبلیغاتی

نیستید؟ آیا بررسی تعداد جمعیت نظاهر کنندگان حزبی آن گونه که رادیو تلویزیون حزب می‌گوید، میلیونی است؟ - آیا رواج فساد اخلاق و رشد خصایص و گرایشات طاغوتی و احرفائی در جامعه تصادفی است؟

و به راستی مسئول کم شدن توجه برخی مردم به اسلام و شعائر اسلامی جز مرتجعین حاکم و عملکرد بی‌ثبات ارتجاعی و قرون وسطائی آنان کس دیگری می‌باشد؟

- آیا اگر هم اکنون اطلاعاتی در مورد تجمع پسرانده‌های رژیم شاه و نیز گروه‌هایی نیروهای انقلابی و به ویژه مجاهدین به شما فرماندهان شما برسد در مورد کدامیک با سرعت و قاطعیت پیشتر عمل می‌کنید؟ خوب توجه کن!

انقلابیون هرگز یک شبه ضد انقلابی نمی‌شوند و ضد انقلابیون در روز نیز که بعد از پیروزی انقلاب از لانه‌های خود بیرون خریدانند، یک شبه تغییر ماهیت نداده و انقلابی نمی‌شوند. پس چگونه است که صفوف کمینه و سپاه روز به روز از گروه اول یعنی انقلابیون تصفیه می‌شود و بجای آن دسته‌ی دوم جایگزین می‌شوند؟

این‌هاست علت جدائی مردم از شما، این‌هاست علت انزوای روزافزون توده‌های مردم از "پاسدار"، پاسداری که قرار بود و می‌توانست در کنار مردم و دوشادوش آنان زندگی نوینی را بنا سازد. پاسداری که قرار بود یار مظلوم و خصم ستمگر باشد، پاسداری که قرار بود یاور خلق‌های جهان و انقلابیون جان برکف و دشمن امپریالیزم باشد اکنون گلوله سلاحش در بندر عباس منفز صنم قریشی‌ها را مثل شلی می‌کند، در شمال سیما صباغ‌ها را به خاک و خون می‌کشد، در قزوین امضر قدس را در اسارت به شهادت می‌رساند و در کرج فاطمه کریمی را و در کردستان روستائیان بی‌گناه را و امروز نیز به صورت مزدور ارتجاع جنایتکار و درست نظیر مزدوران شاه خائن، راه‌پیمائی آرام ۵۰۰ هزار نفر از مردم بی‌گناه را در نهران به رگبار مسلسل بسته و صدها نفر را به

خاک و خون کشانده و ده‌ها نفر را به شهادت رسانده‌اند. و بعد از این جنایت نیز اجساد شهدا را به سرعت برده و آنان را بدون اطلاع خانواده‌هایشان و حتی بدون جواز دفن پزشکی قانونی به عنوان مجهول‌الهویه دفن کرده‌اند. بدین ترتیب جنایتی را که شاه جلاد در اواخر سلطنت تنگیش در ۱۷ شهریور ۵۷ و قبل از آن در ۱۵ خرداد ۴۲ مرتکب شده بود هیئت حاکمه‌ی ضد انقلابی و ضد اسلامی کنونی در ابتدای حکومتش و در حالی که هنوز دوسال ونیم از انقلاب بیشتر نمی‌گذرد مرتکب شده است!

روی دیگر سکه

آنچه را گفتیم تنها یک روی سکه بود و اما روی دیگر آن واقعیت اینست که تاریخ و جامعه هرگز برای مدتی طولانی پشت هیچ بن‌بستی درجا نمی‌زند و هیچ نیرویی نتوانسته است در مقابل امواج خروشان توده‌های مردم دوام بیاورد. تاریخ ۱۰۰ ساله مبارزات میهنان و به ویژه قیام خلق در ۲۲ بهمن گواهان گویا و زندهای برای مدعایند بنا بر این همان گونه که قبل با ما‌ها و کشاورهای مزدوران شاه در ۱۷ شهریور و شب‌های عاشورا و ... نتوانست مردم بپاخانه ما را مرعوب سازد. هیئت حاکمه‌ی ارتجاعی و عمیقاً پوسیده‌ی کنونی نیز نخواهد توانست با ایجاد رعب و وحشت و پوشالی و با قتل عام مردم و با سوء استفاده از اسلام و مقدسات اسلامی برای مدنی طولانی برگردی مردم سوار شود و سرانجام اینان نیز مانند اسلاف جنایتکار خود به زباله دانی تاریخ افکنده خواهند شد. و در این میان بازهم خسران و پشیمانی و انتقام خلق در انتظار کارگذاران و مزدوران خواهد بود.

پاسداران! گمی فکر کنید

اگر با مدنی پیش‌تحت تاثیر نزویر و ریای زعمای قوم برای بسیاری از مردم و منجمه شما این ابهامات می‌توانست وجود داشته باشد که دعوا و اختلافات مرتجعین حاکم با سایر نیروها و به ویژه با مجاهدین بر سر اختلاف نظر و برداشت از اسلام است، اکنون دیگر بردی اوهام و بوهام دریده شده ما جایی که خود آیت‌الله خمینی در سخنرانی بقیه‌درصحه‌ی ۷

یک سال پیش اواخر خردادماه با افشای توارهای معروف آیت، عضو هیئت موسس عضو شورای مرکزی و دبیر سیاسی حزب جفاک‌داز حاکم موسوم به "جمهوری" برده از توطئه‌های ارتجاعی که "آیت" تنها آیت و نشانه و سمبلی از آن بود برداشته شد و مردم ستم‌دیدی ما که تازه اولین سال آزادی از چنگال یک رژیم خودکامه کودتائی را پشت سر نهاده بودند، بار دیگر سایه‌ی شوم یک کودتای ضد انقلابی را بر آسمان این مبین گسترده دیدند. کودتائی که حاکمیت مطلقه‌ی یک جریان واپس‌مانده و ارتجاعی را در لباس دین و مکتب، در فردائی نه چندان دور، تحقق و امکان می‌داد این جریان که عمدتا در حزب حاکم نبلور می‌یافت، در واقع کانون توطئه و فساد بود که با قبضه کردن اهرم‌های سیاسی و نظامی قدرت، دساوردهای انقلاب کبیر خلقمان را به تاراج می‌برد و مملکت را به روز سیاه می‌نشانید.

در رابطه با افشای این توطئه، ما در همان زمان در سرمقاله‌ی "مجاهد" شماره ۹۳ نوشتیم که "در مدت ۱۶ ماه (از پیروزی قیام) این مردم و این مبین از نارسائی‌ها، ناملائیات و حوادث جانگداه‌ی رنج‌برده‌اند که عموماً از عملکردهای آشکار و پنهان همین حزب ناسی می‌شود. و تازه معلوم نیست که در ادامه‌ی این جریان، ملت محروم و خلق ستم‌دیده‌ی ما چه تاوان و بهای سنگینی باید بپردازد." البته آقای آیت از این توارها به عنوان "سند افتخار!" خود یاد کرد! و هیچ معلوم نشد که اگر این‌ها اسناد افتخارند پس به چه دلیل "مجاهدین خلق" را باید به جرم افشای این اسناد به لعن و طعن و توهین کشید و خانه‌ی برادری را که در کشف این توطئه‌ی "افتخارآمیز!" موثر بوده است به تاراج برد و خانواده‌اش را اسیر و آواره کرد؟! به هر حال همان طور که در سرمقاله‌ی "مجاهد" ۹۴ نوشتیم... به اعتقاد ما (مجاهدین) مسأله‌ی اساسی نه در نظریات شخص آقای آیت... بلکه در کل جریانی است که آقای آیت تنها "آیت" و نشانه و سمبلی "از آن است. جریانی که تفرقه‌ها و نفاق‌اندازی‌های اجتماعی در درون جبهه‌ی خلق را "افتخار" کرده و در این مسیر، استفاده از هر وسیله‌ای را مباح و بلکه واجب می‌داند. تمامی شماره‌های روزنامه‌ی جمهوری و دروغ‌پردازی‌های تحومی آن گواه این حقیقت است.

جریانی که امثال مجاهدین را دشمن اصلی گرفته و با حضور ریشه‌دار در هر کجا، از سیاه و کمیته‌ها و دادگاه‌ها و رادیو-تلویزیون، هیچ فرصتی را فروگذار نمی‌کند... مهم افزایش آن "افتخارات!" تاریخی است!

این توطئه از سرکوب نیروهای آگاه و انقلابی در قالب تعطیل دانشگاه و به اصطلاح "انقلاب فرهنگی" آغاز می‌شد و در ادامه‌ی خود به حذف رئیس جمهوری منجر می‌گردید که اگرچه به گفته‌ی "آیت" فقط می‌تواند مدال بدهد و مدال بگیرد و سفرا را به حضور ببذیرد" ولی به‌نوگری ارتجاع خودکامه و انحصارطلب تن نمی‌دهد.

می‌شود سخت گرفت، ایستادگی نمود و جریان را تا نهایت هم‌پای و ریشه‌هایش پی‌گرفت. و می‌شود هم قضیه را به اصطلاح سمبل کرد و گذشت و نیز می‌شود با مواضعی متزلزل، در برده‌ای از وحدت-گراشی‌های صوری و سطحی فرورفت و غافل از مبانی پاک-سازنده و تصفیه‌کننده‌ی وحدت، به معاشات باکجی‌ها تن درداد. که نهایتاً نیز اگر مواضع سازشکارانه و متزلزل در خاتمه‌ی ماجرا تقویت شود، باز هم استخوان در لای زخم این مبین همچنان باقی می‌ماند... روز از نو و روزی از نو... و در این میان باز آنچه برجای می‌ماند، دست‌های شکسته، چشم‌های از حدقه‌درآمده و

تهمت و جوسازی و دروغ به در برده شد و موقتا نجات یافت همان "آیت" بود" و توطئه‌ی کودتایش!

شترمست ارتجاع بردرخانه‌ی رئیس‌جمهور

و حالا هم یک سال پس از آن ماجرا- یک سالی که با درد ورنج و قتل و آزار و "شایعه‌ی شکنجه‌ی!" مجاهدین و این خلق همراه بود- شتر مست و افسارگسیخته‌ی ارتجاع که از خون بسیاری از جوانان برومند این مبین گذشته است- اکنون بر در خانه‌ی رئیس

یک سال پس از افشای توار "آیت"

آقای آیت در این توار، با "افتخار" تمام از یک "تصمیم لایتغیر" (بخوانید توطئه‌ی سازمان یافته‌ی ازبیش) سخن می‌گفت و توصیه می‌فرمود که "به بچه‌ها بگوئید قرص و محکم باشند و ترس نداشته باشند. تصمیمی گرفته شده لایتغیر! تغییر ناپذیر است! دانشگاه‌ها بعد از ۱۴ خرداد تعطیل می‌شود و بعد ما برنامه‌های خواهیم داشت و بیای بی‌صدر هم نمی‌تواند روی این برنامه کار کند..."

آزمایشی در برابر همد

چشم‌انداز شوم این برطئه پشت هر اسان آگاه و دردمند را بدل‌ترزه می‌افکند و با اشراف بداین چشم‌انداز، همه‌ی نیروها و شخصیت‌های آگاه جامعه را نسبت به عوایب شوم توطئه‌گری‌های کور و هیستریک این جریان ارتجاعی هشدار دادیم و در سرمقاله‌ی "مجاهد" ۹۴ فریاد زدیم که "از آنجا که "آیت" و "آیت‌ها" باز هم در مواضع خود همچنان استوارمانده و خواهند ماند... مسأله‌ی اساسی‌تر و مهم‌تر آزمایشی است که بدین وسیله از طریق افشاکری‌های اخیر در برابر همه‌ی شخصیت‌ها و نیروها قرار می‌گیرد. آزمایشی بسیار صعب و دشوار که طی آن هرکس و هر نیرو ماهیت واقعی خود را طی آن بروز می‌دهد.

قلب‌های پاره پاره‌است که فدای معاشات و متزلزل‌آنها می‌شود که می‌فهمند ولی نمی‌فهمانند و عمل نمی‌کنند! البته در آن زمان کمتر کسی عمق این هشدار را دریافت و برای مهار زدن به شتر خودکامگی و ارتجاع- که کردن می‌کشید و دیر یا زود بر در خانه‌ی هر انسانی که از آزادیگی بهره‌ای داشت می‌خواهد- بیاخاست. اما همه شاهد بودند که پس از آن‌که مشخص شد این بوطئه را ما افشا کرده‌ایم خود ما اولین هدف همین توطئه قرار گرفتیم و به قربانگاه حصرانی که جرات کرده‌بودیم با پایداری و مقاومت خودمان از عرش بیرونی فرشتان فروکشیم، کشیده شدیم. روز چهارم سیرماه در اوج هیجان اجتماعی ناشی از افشای توارها که حزب ارتجاعی را به زیر سوال همه‌ی مردم کشیده بود، آقای خمینی طی یک سخنرانی، بجای پرداختن به مسأله‌ی "آیت" - که خواست و انتظار همه بود - بی‌هیچ مقدمه‌ای، "مجاهدین" (و یا به قول ارتجاع حاکم "ماتفقین!!") را دراز کرد و آنچه از تهمت و دروغ و افسوا سراغ داشت نثارشان نمود! در این سخنرانی، "مجاهدین" کسانی معرفی شدند که همکار آمریکا و ساواک بوده‌اند و پس از انقلاب سرکلکشان در این مملکت پیدا شده و... آنچه در میان این موج

جمهور قانونی این مردم و بسیاری از آگاهان و آزادی-خواهان این مرز و بوم خوابیده است! "کودتا" در زشت‌ترین و فریب‌آلوده‌ترین چهره‌اش رخ نموده و خاطره‌ی شوم "۲۸ مرداد" را زنده می‌کند. "۲۸ مرداد" روز تلخ و ناگواری در تاریخ این ملت است دربار خائن و وابسته‌ی پهلوی در آن زمان به باری ارتجاع در پوشش "مذهب و مساعادت حزب نوهدی" ضد مذهبی" و با به صحنه کشاندن اوباش و مرفوقه‌های "شعبان بی‌مخ" نوانست مصدق بزرگ را به زیر کشد و بار سنگین اختناق و وابستگی و غارنی بی‌سابقه را بر پشت نازیبان‌خورده‌ی این خلق تحمیل کند. چه‌شگفت است شباهت پاره‌ای از مرکزگردانان و آتش-بیازان آن کودتا با این کودتا! اگر در آن زمان مجلس در کنار دربار به مقابله با مردم برخاست، در این زمان نیز مجلس ارتجاعی در کنار کانون توطئه برعلیه ملت و رئیس جمهوری منتخب ملت است! اگر در آن زمان رفرائندوم دکتر مصدق در مقابل مجلس، عزم توطئه‌گران را بر علیه او جزم نمود، در این زمان نیز طرح مسأله‌ی رفرائندم از جانب دکتر بنی‌صدر و مجاهدین، ارتجاع را به وحشت انداخت و بوطئه را در سخیف‌ترین صورتش بارز

کرد! اگر در آن زمان عوامل انگلیسی نظیر دکتر مظفر بقائی زمینی کودتا را آماده کردند، در این زمان نیز "دکتر آیت" بار غار و هم حزب دبیرین دکتر بقائی- آتش‌بیازان با بان کودتا گشتند! اگر در آن زمان "بوده- نفتی" های خائن در مقابل کودتاچیان کرنش کردند، در این زمان نیز همان آنان در مقابل کودتاچیان "مسترع و ضد امپریالیست جدید!" کرنش می‌کنند! اگر در آن زمان باندهای سیاه بقائی و جاقوگشان شبان تاج‌بخش، با پشتیبانی ارشد شاه، خیابان‌ها را بمصره‌ی جولان و قداره‌کشی و بدمسج خود نمودند و فضای جامعه را از رعب و وحشت آلودند و کودتای آمریکائی - انگلیسی شاه خائن را عملگی کردند، در این زمان نیز جفاک‌داران با پشتیبانی کمیته وسپاه‌هنگی آن‌ها مزدور حزب ارتجاعی حاکم، بیسی حزبی‌کدر آن‌مهره‌های انگلیسی و آمریکائی تلاقی کرده‌اند در خیابان‌ها میدان‌داری می‌کنند و با ضرب و جرح و اسارت مردم می‌خواهند رعب و ترس را بر فضای این جامعه حاکم کنند! اگر در آن زمان روزنامه‌ها را بستند و قلم‌ها را شکستند و نفس‌ها را بریدند و آزادی-خواهان را به زنجیر کشیدند و... در این زمان نیز همین می‌کنند! آری همه‌ی شواهد و نشانه‌ها و "آیت‌ها" گواه انجام یک کودتای ارتجاعی ضد ملی است. اما مریدین، همچون همیشه، "زمان" را فراموش کرده‌اند! فراموش کرده‌اند که امسال سال ۱۳۶۰ است و ۲۸ سال از آن سال شوم ۳۲ می‌گذرد! بیست و هشت سالی که سرساز از مقاومت و پایداری و جریبه‌اندوزی خلق و نیروهای آگاه خلقی بوده‌است. امروز مردم آگاه و بیاخاسته‌ی ما و در بنیادین آنان "مجاهدین خلق"، جان خود را به کف گرفته‌اند و با جنگ و دندان از میراث خوبیار اسلام و آزادی این مبین شهیدان دفاع خواهند کرد. در میدان پرشور این رزم انقلابی، خود-کامگان انحصارطلب، اگر بیس از این به تاراج آزادی خلق ادامه دهند، سنگ‌خارهای جز این ندارند که "اسناد افتخار" شان را با خود به گور برند و سنگ‌نامه‌های نفرت-انگیزشان را برای عبرت تاریخ باقی گذارند.



بقیه از صفحه ۳

نهایم و حسیانه چماق داران مسلح و جیره خواران حکومت کودتا به مراسم بزرگداشت شهادت دکتر شریعتی

راهپیمائی بیش از ۵۰۰ هزار نفر

مراسمی که در روز جمعه ۲۹ خرداد به ساسیت سالگرد شهادت دکتر علی شریعتی با شرکت جمع کثیری از مردم و چند تن از شخصیت‌های مبارز و یاران شهید در منزل خانوادگی او در تهران برگزار شده بود، مورد هجوم چماق داران مسلح و زور گرفت و چندین زخمی و سیرخورده به جای گذاشت. چماق داران و "حزب الهی" های جنایتکار نحت حمایت پاسداران کمیته‌ها در نهایت قوت و سفاکی، شرکت کنندگان دفاع مراسم را آماج گلوله و دشنه و چاقو قرار داده و حتی به بی‌رحمان و بیرمردان هم

حمله و هجوم‌های سیاهانه که خاطره‌ی وحشی‌گری‌های مغول و نابر را تداعی می‌کند، به دفعات متوالی و نا چندین ساعت ادامه داشت. هنوز از خبرها و آمار مربوط به زخمی‌ها و دستگیر شده‌ها اطلاع دقیقی در دست نیست، آنچه مسلم است مزدوران ارجاع در این نهایم سفاکانه همچون سگان هار به جان مردم افتادند و هر جنایت و قساوت و زذالتی را که از دستشان بر می‌آمد، نسبت به آنان و خانوادگی شهید دکتر شریعتی، روا داشتند. این نهایمات و حسیانه یکی از مظاهر همان استبداد مطلق و تمام عیاری است که کودنای ارجاعی - امپریالیستی جاری، آن را به ارمغان آورده و به گویاترین صورت بیانگر این واقعیت است که ازین پس ارجاع جنایت پیشه هیچ حرمی را نگاه نخواهد داشت و ذر برخورد با هر فرد یا جمعیتی که ذره‌ای سرف و آزادگی داشته و تن به ذلت و مجیزگوئی ارجاع ندهد سها به خسوت و سرکوب و طعم و قمع، منوسل خواهد شد. اما هیسها! ارجاع با این شیوه‌ها، کور خود را هرچه سریع‌تر خواهد کند!

ساعت ۶/۲۰: روسای کین: مزدوران ارجاع در ۳۰ دقیقه با بلندگو در روسای کین اعلام کرده‌اند که تهران صلوع شده است. جهت کمک بشابید بیمارسان نامداران یک نفر سهد شده است

ساعت ۶/۳۵: در بیمارسان سووی سدف سهد شده‌اند. یکی از آن‌ها خواهری است به نام واعظ برادری به نام اکبر نیز در حال احما: بسرمی برد

ساعت ۷/۱۵: خیابان طالقانی: پاسداران با لباس فرم همرا با تجهیزات کامل بر سر چهارراهها مسفر شده‌اند

ساعت ۷/۲۵: جمهوری - مصدق: خیابان را به طرف انقلاب سندان

ساعت ۷/۴۰: حدود ۱۰۰ نفر از مزدوران چماق دار دهکدهای اطراف مصدق حد فاصل انقلاب و جمهوری را بخریب کرده‌اند

ساعت ۷/۵۰: مقاطع مصدق: جمهوری: مردم به صورت برانکنده هستند. جو مسنج است. حدود ۱۰۰ نفر از مزدوران حقا دار سعی دارند مردم را متفرق کند. مردم می‌گویند: ۱۷ سپرور تکار شده، میلیسا حساب آن‌ها را می‌رسد

رحم نکردند. در اولین یورش مسلحانه حداقل ۲ نفر سیرخورده و ۸ مجروح که با چاقو زخمی شده بودند، روانه بیمارستان شدند. مهاجمین سپس از چهار طرف منزل شهید شریعتی را محاصره کرده و شروع به برناب گاز اشک‌آور به داخل اتاق‌ها نمودند که در اثر آن چند نفر از جمله استاد محمد تقی شریعتی پدر ۸۵ ساله‌ی دکتر شریعتی به کلی از حال رفت. مزدوران حزب کودتاگر حاکم، زذالت را تا بدانجا رساندند که قصد دستگیری برخی از شرکت کنندگان (و به خصوص آقای

ارتداد و نفاق را از جسمی عوام‌فریبی و شیادی خود درآورده و به هرکس به انحصارطلبی و خودکامگی آنان کردن تنهد می‌چسانند در مقابل همدی‌وطن‌فروشی‌های ناشی از بستن قراردادهای اسارت‌یاری با "شیطان بزرگ" سکوت کرد، و به اسجابت درخواست‌های امپریالیستی "راضی" شده‌اند.

به هر حال در کنار اعتراض و مقاومت در قبال قراردادهای تنگین و اسارت‌یاری به اعتقاد ما پافشاری و مقاومت بر روی باقی ماندن نام مصدق و خودداری از تغییر آن از طرف مردم عالی‌ترین تجلیل از مقام امام زمان حضرت ولی عصر (عج) و خشتی کردن سواستفاده‌ی مرجعین از ارزش‌های اسلام و تسع انقلابی است

ملی و طبقاتی را محقق می‌سازد طبیعی است که با چنین نشیبات ارجاعی ملوث شده و شیخ انقلابی بالاخره راه خود را با کنار زدن همدی جرتومدهای عقب‌ماندگی و ارجاع که بحق جامعه‌ی امام زمان - جامعه‌ی بوخیدی و عاری از طبقات را مانع شده‌اند، باز خواهد گشود. ما این که سرانجام مرجعین با پنجه افکندن به چهره‌های ملی از افشای ماهیت ضد ملی خود ناگزیر شدند ولی اگر امثال این دله‌کاری‌های ارجاعی نیز نبود بستن قراردادهای تنگین آمریکا و امثال قراردادهای نالیوت ماهیت ضد مردمی و ضد ملی آن‌ها را عیان می‌کرد و مهم بر آن که همین آقایان که به بهانه‌های مختلف انواع و اقسام مارک‌های نظیر کفر و

در شرایطی که بازار موهین‌های ردیالانه به دکتر محمد مصدق پیشوای فقید نهضت ملی ایران، گرم است و افراد خود فروخته‌خاقتی چون فلسفی کثیف، دلال ذربار شاه امکان جولان یافته است، مرجعین هم‌زمان با پیشرفت کودنای ارجاعی - امپریالیستی تلاش می‌کنند حتی نام و نشانی از رهبران ملی و مبارز ایران باقی نماند. در هفته - نای اخیر در وزارت امور خارجه دو نالار را که به نام دکتر مصدق و دکتر فاطمی نامگذاری شده بود تغییر داده‌اند. اخیرانیز "شاه" کار دیگری (وبه عبارت دیگر معاویه‌کار) عرضه کرده و نام خیابان مصدق را به ولی عصر تبدیل کرده‌اند گو این که امثال این سوا استفاده‌های ارجاعی از ارزش‌های مظهر اسلام و تسع انقلابی گری بر دامن حضرت ولی عصر (عج) نمی‌سازد و بالاخره برای مرجعین چیزی جز خسار به ارمغان نخواهد آورد و گو این که ارجح اعتبار فرآن یا سرنیزه کردن آن توسط معاویه گاهن بی‌اقت و جرنعلست ابدی برای او و ابادیش به بار نیاورد لیکر نفس این حرکت مرجعین و سوا استفاده‌ی ارجاعی از نام حضرت ولی عصر (عج) به منظور تغییر نام خیابان مصدق عملی در جهت اعلاء نام و افزودن مقام آن امام نیست. امام زمان که انتظار ظهورش مظهر جوسنی و حرکت انقلابی است و ظهورش امجا همدی سم‌های بزادی و

سر انجام مرجعین ناگزیر از افشای ماهیت ضد ملی خود شدند

بقیه از صفحه ۱۰

باز هم سخنی با پاسداران...

اجتماعی و سیاسی مورد تجرید و اصحاب ترار می‌گیرند و سرانجام ناگزیر از انحطاط یکی از دو راه می‌سوند:

راه جدا و صانع مردم با زاد سلطان و صانع مدخلی، راه اسلام و انقلاب با راه ارجاع و سازس با امپریالیسها و این همان سرنسل با رنجی‌ای است که در سیرل مردمی زرس بر در اواخر پرسم شاه حاشی به ناچار در مقابل آن تراز گرفتند همانرا و برسول انقلابی سزوی خواتی با سوسنی به صفوف انقلاب به رسالت اساسی - اسلامی جوسنی وفا کرده و در تاریخ انقلاب ایران جاودانگی بافسد و در همان حال کارد مزدور ساجسه‌های رودرزی مردم و انقلاب اسناد و علاقه بر سکو نبر ابدی به اسقام خلق سمر کفرار سدید. پس فاعسروایا/ولی الا بحار

احیرس صراحا اعلام می‌دارد دعوی ما بر سر اسلام نیست، بلکه بر سر "قدرت" است. و ما اضافده می‌کیم دعوا بر سر قدرت انحصاری غصب شده توسط مرجعین است. در حالی که این قدرت متعلق به مردمی است که از جمهوری اسلامی استقلال و آزادی را طلب می‌کند و کرده حکوید این سبوح بحاحدین را در حالی که به سبوح و سبوح و سبوح و امامت ... مصعد هستند طاهرا به خاطر قبول دیالکتیک، منافق و بدس از کافر فلداد می‌کند ولی اکنون ما کسانی که از اساس سکر این معقعات هستند به صرف کرش و اطاعسان هم - آخور سده‌اند و بر روی مارک هم نمی‌آورند؟

جامعد در حال زایش حدیدی است و در این سراط همدی افسار و سروه‌های

بقیه از صفحه ۴

خیمه شب بازی امجدیه با...

آن هم در سراطی که هبور آقای بی‌صدر رئیس جنینور فابوسی کشور بود، با سکوت خود بر این ستار رسالت می‌داد. آیا حقا داری‌ها و پرورسم حر از اس طریق حواز عمل می‌گیرند؟

به راسنی که دسکر دوران عوام‌فریبی‌های سلسوبی مرجعین حاکم و سله‌های بس‌مانده‌ی ۲۸ سراسنی که اکنون طلیجک‌های حدید دار - الحلائه شده‌اند به سراتبد و عصر سکوهمد و کسیر آگاهی خلق‌ها آغاز شده است.

زاویه‌های گوناگون نیلمرداری می‌کردند تا به هر نحو شده سبوهی جمعیت را الفاء کنند، این بار آنقدر به بسی گرفتار شده بودند که از آن کلک‌ها نیز نمی‌توانستند استفاده کنند و باحار بیسر اوقات دوربین را بر قیافتی احمد خمسی سمرکز می‌کرد و از جمعیت نیز فقط یک قسم راجدین بار سان می‌داد

نکندی قابل ذکر دیگر این که احمد خمسی هنگام خواندن بنام آیت‌الله خمسی، در قبال ستار مرگ بر بی‌صدر



دویادآوری ویک تشکر ضروری

دیدگاه و رویه انحصارطلبانه به نام رئیس جمهور نیز به طور تشریفاتی در سطح قضا و مسائل واقعی قوت می نرساند و هم عرض خود بیرند و هم زحمت نظری از توده های مردم بیافزاید.

حال آن که مجاهدین از روز اول با اشراف به همی زوایای بیچیدی قانون و هم چنین اشراف به نظریات و روحیه حضرت آیت الله خمینی که هرگونه مخالفت با خود و برگزیدگان شان را مخالفت با خدا و برگزیدگان خدا و ائمه معصومین و قرآن تعبیر می فرمایند و تلقی شان از ولایت فقیه چنان که از سال ها پیش خود مرقوم فرموده اند مشابه با نوعی قیومت بر "صغار و محجورین" است، بیش بینی کردند کینه اولین رئیس دولت و نه اولین رئیس جمهور و نه آخرین آن ها، چنانچه سرسوزنی نیز مخالفت و ابراز عقیده و رای مستقلی داشته باشند هم بی جهت مطلقند و هم دیری نخواهد پایید که حماق حزب الله را بر فرق سر یافته و نامین چانی نیز خواهند داشت و چنان که مهندس بازرگان نوشت آخرین مایه تعلق شرعی آنان نیز بر آن ها حرام گشته و به زودی پاسداران مکتبی را بر بستر و بالین خود نیز حاضر خواهد یافت.

علیهذا جای آن دارد که مجاهدین خلق نیز که از روز اول به دلایلی که گفتیم کاندیدای ریاست جمهورشان حذف شد از کلیه ذوات بقیه در صفحه ۳

بنابراین شایان یادآوری است که چرا مجاهدین که پیشاپیش چنین روزگاری را به عیان می دیده و به سرانجام عملی چنین قانونی واقف بوده اند به خاطر حفظ حرمت اسلام انقلابی از رای دادن به آن خودداری کردند.

۲- دومین یادآوری ضروری مربوط به زمانی است که مجاهدین قبل از این که امکان بیابند کاندیدای خاص خودشان را برای ریاست جمهوری معرفی کنند شخص آیت الله خمینی را کاندید نموده و در اعلامیهی مربوطه نیز خاطرنشان نمودند که این کاندیداتوری به خصوص یکی از تناقضات جدی قانون و دستگاه رهبری کشور را از پیش حل نموده و خلاصه دعواهای بر سر قدرت را از پیش روشن و حل و فصل نموده و تکلیف مردم را نیز مشخص خواهد ساخت. و مردم مسئولیت اجرای قانون اساسی را از مقامی طلب خواهند نمود که فی الواقع نیز صاحب اختیار قانون است. البته به دنبال این کاندیداتوری و اعلامیهی مربوطه انبوهی از اتهامات فالانژی نثار مجاهدین شد. که چرا نفاق ورزیده و شخص آیت الله را کاندید کرده اند؟ حال آن که امروز روشن می شود که منافقین واقعی همان کسانی بوده اند که برخلاف تمرکز واقعی و عملی قدرت در دست مقام رهبری اصرار داشتند که یک مقام عملا زائد (البته در

۱- همزمان با کودنای ارتجاعی برکناری رئیس جمهور که اکثریت قاطع مردم را دچار بیعت زاری و بیچارگی شدید ساخته بود روزها سوال بسیار مهمی در برابر محفل و هر خانواده و هر کس و هر بزنی به شدت مطرح است. مردم که نمی توانند باور کنند که مطابق کدام قاعده و قانون شرعی و عرفی می توان رئیس جمهوری را که مستقیما با آراء سراسری انتخاب شده است، به این سهولت برکنار نمود، عموما می پرسند:

مجلسی که (صرف نظر از همه ی تقلبات و تحولاتی های انتخاباتی حزب خدا) در کل خود حتی رأی به رئیس جمهور را هم پشت سر نداشته و تعدادی از نمایندگان آن حتی با شش هزار و هشت هزار و ده هزار رای به مجلس آمده اند، چگونه می توانند رئیس جمهوری را که منتخب سراسری است با یک قیام و قعود کنار بزنند؟ وانگهی اگر میزان رای ملت است چرا رئیس جمهور متقابلا نباید چنین حقی را در انحلال مجلس داشته باشد؟ طرح این گونه سوالات در وسیع ترین ابعاد اجتماعی ممکن و ده ها و صد ها سوالات نظیر آن نه تنها برده از تناقضات ذاتی قانون اساسی بر می دارد بلکه تأیید دیگری است بر نهایت دغلتکاری و سوء استفاده و تعابیر انحصارطلبانه مرجعین از اصول قانون.

مخالفت خود باروشهای انحصارطلبانه

و حکومت اختناق و حماق را با فریاد

الله اکبر

برفراز پشت بام خانه ها ابراز کنید

الله اکبر

مردم قهرمان ایران، در آستانه ی پیاده شدن آخرین مرحله ی کودتای ارتجاعی - امپریالیستی که حکومت حماق و اختناق اوج بی سابقه ای به خود می گیرد، سازمان مجاهدین خلق ایران پیشنهاد می کند که در هر موردی که مردم قهرمان سراسر کشور و به ویژه مردم شریف تهران ضروری و به صلاح می بینند، با دیگر فریاد پرخروش "الله اکبر" را در مخالفت با روش های انحصارطلبانه ی ضد مردمی و ضد اسلامی و در حمایت از آزادی های اساسی و رئیس جمهور دکتر بنی صدر در پشت بام خانه ها طنین افکن سازند. این فریاد پرخروش انقلابی منجمله از مناسب ترین پاسخ های مردمی به انحصارطلبانی است که جز برای دار و دسته های حماق دار و جبهه ی متحد ارتجاعی خود، هرگونه اجتماع و راهپیمایی و تظاهر مسالمت آمیز را بر دیگران مجاز ندانسته و در برابر ناراضی های وسیع توده های مردم اساسا به گلوله و حماق متوسل می شوند.

مجاهدین خلق ایران
۲۷ / خرداد / ۶۰

خطاب به نمایندگان مجلس

هشدار مجاهدین خلق نسبت به عواقب عزل رئیس جمهور و مسئولیتهای نمایندگان

از این رو با یادآوری مجالس و ادوار قانونگذاری در تاریخ معاصر ایران به استقرار دیکتاتوری هایی از نوع رضاخان قلدر یا پسرش منجر شده است، ما به فرد فرد نمایندگان حاضر و به ویژه آن ها که ذره ای نیز نسبت به سرنوشت مردم ایران احساس مسئولیت می کنند تذکر می دهیم که خود را شایسته ی لعن و نفرین ابدی ملت ایران و حسابرسی های دنیوی و اخروی مربوطه نساخته و مرعوب صحنه های ساختگی حماق داری ایام اخیر در برابر مجلس نشوند. در غیر این صورت بدیهی است که فرد فرد آقایان در برابر تمام عواقب گسترده ی سیاسی و اجتماعی عزل رئیس جمهور دکتر بنی صدر مسئولیت خطیری برعهده خواهند داشت.

مجاهدین خلق ایران
۲۸ / خرداد / ۵۹

بنام خدا

بنام خلق قهرمان ایران

آقایان محترم،

در شرایطی که در مراسم سخنرانی فلسفی گتیف و خائن مبره ی سرسپرده ی امپریالیسم و ساواک که می دانید از معرکه گردانان دربار آریامهری و کودتای ضدانقلابی ۲۸ مرداد بود علنا اعدام رئیس جمهور قانونی کشور تقاضا شده و عینا از وسایل ارتباط جمعی نیز پخش می گردند. سازمان مجاهدین خلق ایران بدین وسیله به تمامی نمایندگان که در مجلس حضور می یابند نسبت به کلیه ی عواقب گسترده ی عزل رئیس جمهور دکتر بنی صدر در فضای هیستریک ارتجاعی حاکم زنهار می دهد.

از آنجا که نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این روزها در تهران حضور دارند و با توجه به شرایط موجود و اهمیت موضوع، خواهشمند است تا حد امکان در این روزها در تهران بمانند و با مجاهدین خلق ایران همکاری کنید. این امر به نفع همه ی ما خواهد بود. با تشکر و احترام، مجاهدین خلق ایران

مجاهدین خلق ایران
سازمان مرکزی
تهران
۱۶ خرداد ۱۳۵۹